



سلام

عیده و وقت شادی!

دوستان خوب و خلاق و مهربون؛ سلام. سلام به روی ماه تک تک شما همسن و سال های من که نیوشا خانوم باشم و داداش کوچولوم؛ خوشا خان! حواستون هست این روزها همش عید و تولد و جشنه؟ مامانم می گه به خاطر شروع ماه قشنگ شعبانه. آخر همین هفته هم نیمه شعبان، روز تولد امام زمان (عج) هست. امام مهربونی که از حال همه ما باخبره و به زودی با ظهور، به جمع ما میاد و می بینیمش. مامان من نذر داره که هر سال، روز نیمه شعبان آش رشته پزه و بین دوستان و همسایه ها تقسیم کنه. ما هر سال روز تولد امام زمان (عج)، جشن و مهمونی داریم. امیدوارم این روز به شما هم خوش بگذره.



شعر



زحمت های مادر

امروز مادرم بود
از صبح زود بیدار
مشغول پخت و پز بود
می کرد دائماً کار
هم می زد او غذا را
گهگاه با ملاقه
می پخت آش رشته
با دقت و علاقه
هنگام ظهر او چید
یک سفره با سلیقه
خوردیم آش ها را
در پانزده دقیقه

شاعر: عفت زینلی

قصه

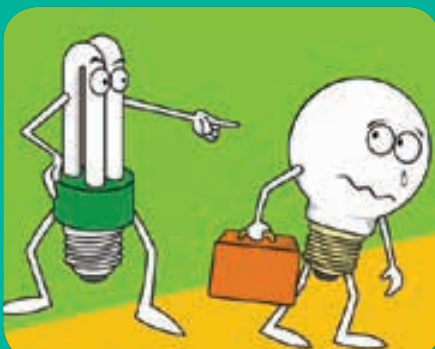
یکم حواستون رو جمع کنید!



یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، من بودم و مامان و بابا و هزار تاز فامیلامون. من، یعنی کوتی پوتی و همه خانواده مون توی شهر آدم کوچولو ها زندگی می کنیم. شهر ما درست زیر یک شهر خیلی شلوغ و



بزرگه. ما اسمش رو گذاشتیم شهر غول ها، آخه مردم این شهر از ما خیلی بزرگترند و دلشون می خواد همه چیزهای روی کره زمین فقط مال خودشون باشه. ما آدم کوچولو ها شهر مون همیشه تاریکه و فقط می تونیم یک لامپ کم نور روشن کنیم. اما آدم غول ها همه چراغ های خونه رو روشن می کنند، حتی چراغ اتاق هایی که کسی توش نیس. اونا تلویزیون رو صبح تا شب روشن می دارن، حتی وقت هایی که کسی تلویزیون نمی بینه. ما آدم کوچولو ها مجبوریم بایک لیوان آب همه کارهامونو انجام بدیم اما آدم غول ها ماشین های بزرگشون رو با شیلنگ آب می شویند و موقع مسواک زدن، شیر آب رو باز می دارن. آدم غول ها کلی کار بد دیگه هم انجام میدن. اونا کاغذهای سفید رو دور می ندازن، بعد برای این که باز کاغذ داشته باشند هی درخت های طفلی رو قطع می کنند. اونا توی شهر شون قطارهای بزرگ دارن اما همهش بامشین خودشون این ور و اون ور میرن و هوارو کثیف می کنند. من دلم می خواد برم به شهر آدم غول ها و بهشون بگم که مالین پایین هستیم و اونا اجازه ندارند همه چیز رو تموم کنند. اما مامان و بابا و هزار تا فامیلامون میگن: «کوتی پوتی اون بالا خیلی شلوغ و پلوغه، زیر دست و پای مونی». ولی من بالاخره به روز میرم و با آدم غول ها صحبت می کنم. تا اون موقع شما گاه آدم غول ها رو می شناسین بهشون بگید: «کوتی پوتی و مامان و بابا و هزار تا فامیلش به خاطر این که شما از همه چیز زیادی استفاده می کنید، زندگیشون خیلی سخت شده».



زبان

دوستان خوبم! زبان شیرین فارسی بهترین زبان دنیاست و ما هیچ وقت نباید کلمات خارجی رو به جای کلمات فارسی استفاده کنیم. امروز ما فقط برای یادگیری بهتر زبان انگلیسی، تو شعر مون چند کلمه انگلیسی گذاشتیم.

اتل متل به گربه

امروز در پارک
دیدم که تم نم
زیر درختی
یک دانه cat بود
بخ کرده بود و
بابا کلاهی
او هم به بابا

شاعر: ناصر کشاورز

Dad: بابا
Cat: گربه
Hat: کلاه



سرگرمی

دوستان خوبم! چند رنگ مداد بردارید و امتحان کنید ببینید سنجاب کوچولوی ما، باید از کدوم مسیر از پنج تا مسیری که وجود داره، بره تا به بلوط خوشمزه ش برسه.



کار دستی

هیولای توپی

دوست هنرمندم! دلت می خواد به هیولای کوچولوی بامزه داشته باشی؟ پس دست به کار شو! وسایل لازم: توپ پینگ پنگ (هر چند تا که دوست داری)، رنگ گواش، چسب مایع، چشم عروسکی کوچیک و بزرگ، نی نوشابه



۱. توپ هات رو با رنگ گواش رنگ کن و اجازه بده تا حسابی خشک بشن.

۲. حالا چشم ها رو روی سر هیولاها بچسبون. حتی چون هیولاها به کمی عجیب و غریبن، می تونی هر چند تا که دوست داری براشون چشم بذاری.

۳. با نی نوشابه، چند تا شاخک و پا برای هیولاها درست کن. هیولای کوچولوی شما حاضره!

قایم باشک حیوانات وحشرات

دانستنی ها

دوستان باهوشم! بعضی حیوانات و حشرات به روش خیلی جالب برای مراقبت از خودشون دارن. اونا به جوری توی طبیعت قایم می شن که حیوانات دیگه نتونن شکارشون کنند. به این روش، می گن «استتار». مثلاً یک حشره سبز رنگ، می ره روی یک برگ سبز می نشینه؛ این طوری بقیه حیوانات گول می خورن و فکر می کنن این حشره هم یک برگ سبز ه. یکی از بهترین نمونه های استتار، خرس قطبیه که رنگش سفیده و توی قطب پر از برف زندگی می کنه و برای فرار از دست دشمنانش، میره لابلای برف ها و کسی نمی تونه پیداش کنه. لاک پشت های نا قلا هم سرشون رو می برن توی لاکشون و بی حرکت می مونن تا حیوون های دیگه فکر کنن اونا سنگ هستن و کاری بهشون نداشته باشن. می تونین توی این عکس، حیوونی که قایم شده رو پیدا کنید؟

